

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد و آله الطاهرين

خلاصه بحث گذشته

در بحث احجاج صبی (که ولی صبی را احجاج می‌کند)، مسئله نیت، تلبیه، پوشاندن دو لباس احرام روشن است، ولی این صبی غیر ممیز را طواف می‌دهد («یطوف به»)، اگر این صبی غیر ممیز حتی مولود هم باشد، این ولی او را حمل می‌کند و طواف می‌دهد، اما مهم در اینجا آن است که آیا از نظر طهارت (که یکی از شرایط طواف است)، این بچه را باید وضو بدهد (یا این که اگر خود بچه می‌تواند وضو بگیرد، به او یاد بدهد تا وضو بگیرد) یا این که طهارت بر خود ولی هم لازم است؟

بررسی لزوم طهارت در طواف صبی

چهار احتمال در اینجا وجود دارد که برخی از آنها، قائل دارد:

- 1) هم ولی و هم صبی هر دو باید وضو بگیرند (اگر خود صبی، توانایی برای وضو دارد، ولی به او بگوید وضو بگیر وگرنه ولی او را وضو بدهد؛ یعنی نیت کند خودش آب به صورت و دستش بریزد و مسح سر و پا انجام بدهد.
- 2) چون در حقیقت صبی طواف می‌کند هر چند ولی مطوف است، ولی طائف واقعی خود صبی است. لذا صبی باید طهارت داشته باشد و طهارت بر ولی لازم نیست.
- 3) فقط ولی باید طهارت داشته باشد و بر صبی لازم نیست.
- 4) بر هیچ کدام لازم نیست وضو بگیرند نه ولی و نه صبی (که محقق خویی(قدس سره) قائل به این احتمال است).

دیدگاه علامه حلی(قدس سره) در مسئله

مرحوم علامه در تذکره می‌فرماید: «و علیه أن يتوضأ للطواف و يوضئه» (ضمیر «علیه» به ولی برمی‌گردد)؛ ولی باید خودش برای طواف وضو بگیرد و صبی را توضی بدهد. ایشان در ادامه، به بیان صور مختلفی در این باره می‌پردازد؛

صورت نخست: «فإن كانا غیر متوضئین لم یجزئه الطواف»؛ اگر هر دو وضو ندارند طواف باطل است،

صورت دوم: «وإن كان الصبيّ متطهراً و الولي محدثاً لم يجزئه ايضاً»؛ اگر صبي وضو دارد و ولي ندارد، باز کافی نیست، «لأن الطواف بمعونة الولي يصح»؛ چون فرض احجاج جايي است که طواف صبي، به کمک ولي صحيح مي‌شود؛ يعني اگر ولي انجام ندهد اصلاً معنا ندارد. به بيان ديگر، ايشان مي‌خواهد بگويد ولي، خودش جزء اين طواف است؛ يعني طواف الولي جزء موضوع طواف صبي مي‌شود و چون جزء الموضوع مي‌شود، «الطواف لا يصحّ إلا بطهارة»؛ طواف نيز متوقف بر طهارت است، پس نياز به طهارت ولي است.

صورت سوم: اگر ولي متطهر باشد و صبي محدث، «فللشافعيه وجهان»^[1]؛ شافعيه دو قول دارند؛ گروهی می‌گویند کافی است و گروهی، کافی نمی‌دانند.

دیدگاه صاحب جواهر(قدس سره) در مسئله

صاحب جواهر(قدس سره) پس از نقل کلام علامه(قدس سره) در تذکره می‌فرماید: «لا ريب في أن الاحوط طهارتهما معاً»؛ احتیاط آن است که هر دو طهارت داشته باشند، «لأنه المتيقن من هذا الحكم المخالف للأصل»؛ چرا که این حکم (يعني احجاج) مخالف با اصل است و در موارد مخالف با اصل، باید اکتفای بر قدر متیقن کنیم.

بعد می‌فرماید: «وإن كان يقوي في النظر الإكتفاء بطهارة الولي»؛ نظر ما این است که طهارت ولي، کافی است. «كما يؤمى إليه ما في خبر زرارة من الاجتزاء بالصلاة عنه»^[2]؛ در میان روایات احجاج صبي، روایت زراره اشاره دارد به این که این ولي از طرف صبي نماز بخواند و همان‌گونه که در جایی که ولي از جانب او نماز می‌خواند، لازم نیست که صبي متطهر باشد، در اینجا نيز طواف در حقیقت استناد به ولي دارد هر چند ولي، این بچه را طواف می‌دهد، اما عرفاً بر خود ولي صدق طواف می‌کند.

اشکال والد معظم(قدس سره) به صاحب جواهر(قدس سره)

مرحوم والد ما به کلام صاحب جواهر(قدس سره) اشکال کرده و می‌فرماید چرا شما طواف را به نماز قیاس کردید؟! در روایات تعبیر به طواف با تعبیر به صلاة مختلف است، درباره تعبیر به صلاة آمده: «يصلي عنه»، اما در طواف دارد: «يطوف به» و نمی‌گوید: «يطوف عنه»؛ يعني بچه را طواف بده. بعد می‌فرماید در اینجا، طائف بچه است، ولي مطوف است. از این رو، اگر طائف خود این بچه است و ولي عنوان مطوف را دارد، چرا شما می‌فرمائید اگر ولي طهارت داشته باشد کافی است؟! در اینجا، طائف باید طهارت داشته باشد.

در مسئله صلاة مصلي، خود ولي است، لذا خود ولي باید طهارت داشته باشد، اما در مسئله طواف، طائف خود این صبي است، منتهی چون خودش قدرت بر طواف ندارد، يك کسی او را طواف می‌دهد.

ارزیابی دیدگاه والد معظم(قدس سره)

در پاسخ به اشکال مرحوم والد ما و دفاع از صاحب جواهر(قدس سره)، می‌توان گفت چون در اینجا از ابتدا که گفتیم ولي، احجاج صبي را نیت کرده و نیت کننده خود ولي است، اینجا این ولي خودش طواف می‌کند و این بچه را هم طواف می‌دهد و در حقیقت، طواف استناد به ولي دارد. از این رو، طهارت او کافی است.

در جایی که يك شخص بالغی که قدرت طواف ندارد، او را روي تخته‌ها می‌گذارند و چند نفر او را می‌چرخانند، آنجا مسلماً

طائف، شخص عاجز است نه کسانی که او را می‌چرخانند، آنها وسیله هستند و مثل يك مرکبي شدند تا این که او را طواف دهند، اما نمی‌توان گفت که «یطوف به» در اینجا با «یطوف به» در عاجز یکی است.

به بیان دیگر، در ذهن شریف مرحوم والد ما این بوده که «یطوف به» در اینجا، با «یطوف به» در عاجز یکی است و همان‌گونه که در آنجا خود آن مریض طائف است و آن کسی که این مریض را می‌چرخاند طائف نیست (و لذا به او مطوّف می‌گویند و لازم نیست وضو داشته باشد یا این که محرم باشد)، در اینجا نیز بچه طائف است نه ولیّ.

لیکن در اینجا ممکن است بگوئیم يك خلاف قاعده‌ای داریم و آن این که ولیّ این بچه را طواف می‌دهد و چون نیّت را خود ولیّ کرده، خود او طائف است، منتهی این بچه را نیز حمل می‌کند. اما این مطلب يك مقدار خلاف ظاهر است؛ یعنی ظاهر مساعد با فرمایش مرحوم والد ماست. اگر در کلمه «یطوف به»، جمود کنیم حق با ایشان است و کلام صاحب جواهر(قدس سره) کنار می‌رود، منتهی برای صاحب جواهر(قدس سره) نیز مجال برای چنین توجیهی وجود دارد.

به نظر می‌رسد باید همان دیدگاه علامه حلی(قدس سره) را پذیرفته و بگوئیم این طواف ولیّ نیز جزء العلة است؛ یعنی هم طواف خود صبی و هم طواف ولی و این که بگوئیم در اینجا آمده: «یطوف به»، در نتیجه ولی مطوّف است نه طائف (و در نتیجه نیازی به طهارت ندارد)، يك مقدار مشکل است.

اشکال مرحوم حکیم به صاحب جواهر(قدس سره)

صاحب جواهر(قدس سره) فرمود احوط این است که هر دو وضو داشته باشند؛ زیرا این حکم مخالف با اصل است و به قدر متیقن باید اکتفا شود، هر چند اقوی، اکتفاء به طهارت ولیّ است و اگر ولیّ، طهارت داشته باشد کافی است.

مرحوم حکیم بر سخن ایشان اشکال کرده و می‌فرماید ما اگر به این روایات احجاج مراجعه کنیم، مستفاد از این روایات آن است که: «ما یمكن إيقاعه في الطفل يتعين فيه ذلك و لا يجتزأ بفعل الولي عنه»؛ در مواردی که صبی، افعالی را خودش می‌تواند انجام بدهد، متعین است که خود او انجام بدهد و فعل ولیّ به درد نمی‌خورد، «و ما لا یمكن إيقاعه في الطفل ینوب الولي عنه فيه»؛ و در مواردی که طفل نمی‌تواند انجام دهد، ولیّ از او نیابت کند.

به بیان دیگر، مرحوم حکیم می‌گوید ما اصلاً از این روایات احجاج، این را استفاده می‌کنیم که هر فعلی را خود صبی می‌تواند، باید انجام بدهد. در نتیجه اگر صبی می‌تواند وضو بگیرد خودش وضو بگیرد و لازم نیست ولیّ وضو بگیرد، اما اگر صبی نمی‌تواند وضو بگیرد، ولیّ از جانب او وضو بگیرد (البته برخی، «توضی» را احتیاطاً اضافه می‌کنند).

ایشان در اینجا قاعده ذکر می‌کند که هر آنچه را که صبی می‌تواند انجام بدهد، را انجام بدهد و اگر يك چیزی را می‌تواند انجام بدهد و انجام نداد و ولیّ انجام داد فایده ندارد، اگر صبی فعلی را نتواند انجام بدهد، ولیّ باید از او نیابت کند مثل مسئله نماز.

دیدگاه سید یزدی(قدس سره) و محقق خویی(قدس سره)

مرحوم سید در عروه می‌گوید: «و لابد من أن يكون طاهراً و متوضئاً ولو بصورة الوضوء»؛ در درجه اول، باید خود بچه وضو بگیرد، و اگر نشد ولیّ او را توضی بدهد، «و إن لم یمكن فیتوضأ هو عنه»؛ اگر نه وضو و نه توضی، هیچ کدام از صبی ممکن نیست، ولیّ از جانب او وضو بگیرد.

محقق خویی(قدس سره) در ذیل عبارت مرحوم سید می‌نویسد: «ان تمكن الطفل من الوضوء و لو بتعليم الولي إياه و أحداثه و إيجاده فيه فهو»؛ اگر وضو را خود بچه می‌تواند انجام دهد هر چند ولی به او یاد بدهد، این مانعی ندارد، «و إن لم يكن للطفل قابلاً للوضوء، فلا دليل على وضوئه صورة»؛ اما اگر بچه قابلیت وضو گرفتن را نداشته باشد، دلیلی نداریم بر وضوی طفل هر چند به حسب ظاهر و صورتی.

بعد می‌فرماید ما از روایات احجاج استفاده می‌کنیم که مورد احجاج، فقط در افعال حج است. افعال حج مثل: طواف، سعی، وقوف، رمی و غیره، اما اموری که خارج از افعال حج است مثل شرایط طواف (که شرط طواف، طهارت است، اما طهارت ربطی به افعال حج ندارد، بلکه از شرایط طواف است)، دلیلی بر انجام صورتی آنها نداریم، «فإن الأدلة منصرفة عن ذلك و إنما تختص بأفعال الحج»؛ زیرا ادله از این شرایط انصراف دارد؛ یعنی در احجاج اصلاً مسئله طهارت مطرح نیست، اگر صبی می‌تواند و تمکن دارد، انجام بدهد و اگر تمکن ندارد، دلیلی نداریم بر این که ولی باید او را توضیح بدهد.

ایشان درباره ولی نیز می‌فرماید: «لا دليل على أن يتوضأ الولي عنه فيما اذا لم يكن الطفل قابلاً للوضوء»؛ در جایی که طفل قابلیت وضو ندارد، دلیل نداریم که باید ولی از جانب صبی وضو بگیرد، «فإن الوضوء من شرایط الطائف لا الطواف و المفروض ان الولي غير طائف و إنما يطوف بالصبي»؛ وضو شرط طائف است و ولی، مطوف است. «فدعوى أنه (يعني أن الولي) ينوب عنه في الوضوء لا وجه لها لأن النيابة الثابتة في أفعال الحج لا في شرائطها»^[3]؛ ایشان می‌فرماید ما از روایات احجاج استفاده می‌کنیم که نیابتی که برای ولی است، در افعال حج (مثل طواف، رمی، صلاة) است نه در شرائط حج.

نتیجه آن که دیدگاه محقق خویی(قدس سره) در حاشیه عروه آن است که در احجاج صبی، اگر صبی تمکن دارد که هیچ، اما اگر تمکن ندارد، وضو نه بر صبی لازم است و نه بر ولی، ولی همین‌طور این بچه را طواف بدهد و اگر خودش هم طهارت نداشته باشد، کافی است.

وصلی الله علی محمد و آله الطاهرين

[1] □ تذكرة الفقهاء (ط - الحديث)، ج7، ص: 30.

[2] □ «قلت: لا ريب في أن الأحوط طهارتهما، معا، لأنه المتيقن من هذا الحكم المخالف للأصل، و ان كان يقوى في النظر الاكتفاء بطهارة الولي كما يومي اليه ما في خبر زرارة من الاجتزاء بالصلاة عنه، و لعله فرق بين أفعال الحج نفسها و شرائطها، فيجب مراعاة الصوري منه في الأول دون الثاني، فتأمل جيدا.» جواهر الكلام في شرح شرائع الإسلام؛ ج17، ص: 237.

[3] □. «أقول: إن تمكن الطفل من الوضوء، و لو بتعليم الولي إياه، و أحداثه، و إيجاده فيه فهو، و ان لم يكن للطفل قابلاً للوضوء، فلا دليل على وضوئه صورة، و ما ورد من إحجاج الصبي إنما هو بالنسبة إلى أفعال الحج كالطواف و السعي، و الرمي، و نحو ذلك، و أما الأمور الخارجية التي اعتبرت في الطواف، فلا دليل على إتيانها صورته، فإن الأدلة منصرفة عن ذلك، و إنما تختص بأفعال الحج. كما انه لا دليل على أن الولي يتوضأ عنه فيما إذا لم يكن الطفل قابلاً للوضوء، فان الوضوء من شرائط الطائف لا الطواف، و المفروض ان الولي غير طائف و إنما يطوف بالصبي، فدعوى إنه ينوب عنه في الوضوء لا وجه لها لأن النيابة الثابتة في أفعال الحج لا في شرائطها. فالصحيح عدم اعتبار الوضوء حينئذ لا على نفس الطفل، و لا على الولي.» معتمد العروة الوثقى، ج1، ص: 35-34.